

# گفتمان آزادی و مردم‌سالاری

## در انقلاب اسلامی ایران

مصطفی کواکبیان\*

### مقدمه

ملت بزرگ ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ یکی از بی‌نظیرترین، پراوازه‌ترین و در عین حال ناشناخته‌ترین انقلاب‌های دوران معاصر را به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رساند؛ انقلابی که علی‌رغم ناپاوری و حیرت سلطه‌گران جهانی، بر پایهٔ دین خدا شکل گرفت و با هدف عروج مادی و معنوی انسان، رژیم سرپا مسلح و وابسته به اجانب را از پای درآورد و توانست بر نظام مبتنی بر ظلم، دیکتاتوری، استبداد و خفقان، جهل و تحقیر انسان فائق آید.

شعار اصلی مردم ایران در انقلاب صددرصد مردمی و متکی به اسلام، کسب استقلال، آزادی و استقرار نظام سیاسی مبتنی بر دو پایه «اسلامیت» و «جمهوریت» بوده است. براساس آنچه موضوع پژوهش حاضر را شکل می‌دهد، گفتمان «آزادی» و «مردم‌سالاری» در انقلاب اسلامی ایران است.

هدف از جستار حاضر، اثبات این نکته است که گفتمان دستیابی به آزادی و حکومت مردم‌سالار، نه تنها گفتمان حاکم بر اهداف ملت در برپایی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ بوده، بلکه چنین اندیشه‌ای به عنوان یکی از اساسی‌ترین گفتمان‌های حاکم بر اندیشه‌ورزان مسلمان در تمامی حرکت‌ها و جنبش‌های گذشته مردم ایران به ویژه در نهضت‌های یکصدساله اخیر بوده است. روش مورد نظر در این پژوهش، بررسی اجمالی کلیه جنبش‌ها و قیام‌های تاریخ سیاسی معاصر ایران و مروری بر اندیشه‌های متفکران مسلمان در محدودهٔ تاریخی قرن حاضر می‌باشد.

\* دکتر مصطفی کواکبیان؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

بی‌شک تبیین علمی گفتمان آزادی و مردم‌سالاری در انقلاب اسلامی، علاوه بر شناخت هرچه دقیق‌تر مبانی انقلاب در ابعاد نظری، در بُعد علمی هم این فایده را خواهد داشت که به زمامداران حاکم بر نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، ضرورت پاسداری از آزادی‌های مردم و لزوم اداره حکومت با اتکاء به آرای ملت را گوشزد خواهد کرد تا بدانند که نادیده گرفتن آزادی‌های مشروع و اتخاذ تصمیمات بدون ملاحظه افکار و آرای مردم، نه تنها یک حرکت ضد انقلابی است، بلکه اساساً چنین روندی سقوط هر حکومتی را اجتناب‌ناپذیر خواهد ساخت.

در جستار حاضر ابتدا گفتمان آزادی و مردم‌سالاری با گذری بر نظرات مهم‌ترین متفکران مؤثر در انقلاب اسلامی مورد ارزیابی واقع خواهد گردید. سپس از تأثیر چنین گفتمانی در پیدایش انقلاب اسلامی بحث می‌شود و در پایان نیز به گفتمان مذکور در سیره عملی و نظرات سیاسی و اندیشه‌های فقهی حضرت امام خمینی (ره) اشاره شده است.



## گفتمان آزادی و مردم‌سالاری در میان اندیشه‌ورزان مؤثر در انقلاب اسلامی ایران

- آیت‌الله طالقانی (۱۳۵۸ - ۱۲۸۹) مشعل فروزان حمایت از آزادی و مردم‌سالاری هیچ کس در این نکته تردیدی ندارد که اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) زمینه‌ساز اصلی حرکت و خیزش ملت ایران در برپایی انقلاب اسلامی ایران بوده است؛ اما در عین حال اندیشه و رزان دیگری نیز بوده‌اند که اندیشه‌های آنان در بین مردم تأثیر داشته است در اینجا بدون در نظر گرفتن مواضع خاص سیاسی آنان و صرفاً از جهت تأثیر این اندیشه‌ها در حرکت مردم به اختصار به بررسی این اندیشه‌ها می‌پردازیم. البته بیان این نکته خالی از فایده نیست که در تحقیق حاضر نه همه متفکرین مطرح شده‌اند<sup>۱</sup> و نه آنکه اندیشه‌های متفکران مطرح شده نیز به طور کامل مورد بررسی واقع شده است.

آیت‌الله سید محمود طالقانی که به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) عمری را در جهاد و روشنگری و ارشاد گذراند و از حبسی به حبسی و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و ابوذر زمان محسوب می‌شد، از دوران دیکتاتوری رضا خانی مبارزه ضد استبدادی را شروع کرد و بیش از ۱۵ سال از زندگی خود را در زندان رژیم ستم شاهی گذراند. او یکی از متفکرین بزرگ سیاسی دوران معاصر بود که قطعاً اندیشه‌هایش در انقلاب اسلامی ایران مؤثر بود. مرحوم طالقانی یکی از اعضای مهم شورای انقلاب بود که از سوی حضرت امام (ره) تعیین شده بودند.

آیت‌الله طالقانی از مفسران بزرگ قرآن کریم بود و به همین جهت توانست نسل تازه‌ای از روشنفکران مسلمان انقلابی را تربیت کند. او در حقیقت یکی از مهم‌ترین پل‌های ارتباطی بین روشنفکران و روحانیت محسوب می‌شد و تلاش زیادی جهت جذب جوانان به سمت اسلام داشت.

مسجد هدایت، مرکز تجمع جوانان انقلابی و مسلمان علیه رژیم حاکم و مستبد ستم شاهی بود و آیت‌الله طالقانی روشنی بخش این جمع، با طرح مباحث تفسیر قرآن و خطبه‌های نهج البلاغه، شور و نشاط خاصی در جوانان جهت مبارزه ایجاد می‌کرد.<sup>۲</sup>

آیت‌الله طالقانی علاوه بر بیان (که به تعبیر حضرت امام (ره) زبان وی همچون شمشیر مالک اشتر کوبنده و برنده است) آثار قلمی و نوشتاری نیز داشتند که قطعاً در گسترش اندیشه‌های آزادی خواهی و مردم سالاری تأثیر شایانی داشتند. از جمله این آثار ترجمه و شرحی بر تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله از مرحوم آیت‌الله نائینی می‌باشد.<sup>۳</sup> در اینجا به بخشی از آخرین خطبه نماز جمعه‌ای که آیت‌الله طالقانی در بهشت زهرا اقامه کردند (جمعه ۵۸/۶/۱۶ یعنی سه روز قبل از رحلت ایشان) که مرتبط با موضوع تحقیق بوده و بیانگر گوشه‌ای از اندیشه‌های تابناک آن مجاهد نستوه است، اشاره می‌شود. ایشان می‌گویند:

هدف پیامبر، آزاد کردن مردم بود. آزاد کردن از تحمیلات طبقاتی، آزاد کردن از احکام و قوانینی که به سود یک گروه و یک طبقه بر دیگران تحمیل شده است. این رسالت پیامبر شما بود. ما هم باید دنبال همین رسالت باشیم. این شهدای ما هم دنبال همین رسالت بودند. در مقابل فرهنگ تحمیلی، در برابر اقتصاد تحمیلی، در برابر قوانین تحمیلی، در برابر محدودیت‌های پلیسی که گاهی به اسم دین بر مردم تحمیل می‌شد که از همه خطرناک‌تر بود، این خطرناکترین تحمیلات است. یعنی آنچه که از خدا نیست، از جانب حق نیست آن‌ها را به اسم خدا به دست و پای مردم بیندازند و مردم را از حرکت حیاتی باز دارند. حق اعتراض و انتقاد به کسی ندهند حق فعالیت آزاد به مردم مسلمان و مردم آزاده دنیا ندهند. این همان «اصو» و «اغلال» است که پیامبر مبعوث شد و بشر دچار این غل‌ها رانجات دهد. صدها بار من گفتم که مسأله شورا از اساسی‌ترین مسائل اسلامی است. حتی به پیامبرش با آن شخصیت می‌گوید با این مردم مشورت کن به این‌ها شخصیت بده بدانند که مسئولیت دارند....<sup>۴</sup>

- آیت‌الله دکتر بهشتی (۱۳۶۰ - ۱۳۰۷) معمار بزرگ سیستم مردم سالار

آیت‌الله شهید دکتر بهشتی را باید یکی از معماران نظام جمهوری اسلامی ایران و تئوریسین‌های مهم انقلاب اسلامی دانست. او به همراه شهید مطهری و آیت‌الله منتظری در درس امام خمینی (ره) حاضر شده و از زمره شاگردان خوش استعداد ایشان بودند. او در سال ۱۳۳۸ دوره دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی را به پایان رساند. دکتر بهشتی با پایه ریزی «کانون اسلامی دانش‌آموزان و فرهنگیان قم» تأسیس «دبیرستان

دین و دانش قم»، «مدرسه حقانی»، تشکیل دو گروه پژوهشی و تحقیقاتی در زمینه حکومت در اسلام»، ایجاد روحانیت مبارز تهران، تشکیل «شورای روحانیت جمعیت هیأت‌های مؤتلفه اسلامی»، و بالأخره تأسیس «حزب جمهوری اسلامی» از طراحان اساسی تجدید بنای تفکر تشکیلاتی و انقلابی در انقلاب اسلامی بود و در این مدت، نیروهای مکتبی، متعهد و دلسوز فراوانی را جهت هدایت ارکان نظام و انقلاب پرورش داد. او بین حضرت امام (ره) و گروه‌های مبارز ضد رژیم ستم‌شاهی نقش واسطه را ایفا می‌کرد و چندین بار نیز از سوی رژیم ستم‌شاهی دستگیر شد. او در برگزاری راهپیمایی‌های عظیم چهارم شوال، (۱۶ شهریور)، تاسوعا، عاشورا و ۲۸ صفر، در زمان اوجگیری انقلاب اسلامی، نقش مؤثری داشت.

او با سخنرانی‌های پرشور خود، تحرک فراوانی در مردم ایجاد می‌کرد. به فرمان حضرت امام (ره) شورای انقلاب را تأسیس نمود و به تعبیر حضرت امام (ره) به تنهایی یک ملت بود.<sup>۵</sup>

آری شهید بهشتی مرد میدان علم، اندیشه، مبارزه با نفس، خودسازی و جهاد در راه خدا بود. او آثار فراوانی از خود به جا گذاشته است.<sup>۶</sup> او بحق اصلی‌ترین گرداننده مجلس خبرگان و مهم‌ترین شخصیتی بود که در تنظیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی داشت.

آیت‌الله شهید بهشتی در چندین سخنرانی «آزادی» را نقطه قوت آفرینش انسان شناخته، اما در عین حال همه آزادی‌ها را در چارچوب حدود الهی مشروع می‌داند. او در سخنرانی معروف خویش درباره لیبرالیسم، ضمن بر شمردن جنبه‌های مثبت و منفی این طرز تفکر می‌گوید:

«اسلام آزادی انسان را به عنوان نقطه قوت آفرینش انسان می‌شناسد و انسان گوهر تابناک هستی است بدان جهت که آزاد و آگاه آفریده شده است... در جامعه اسلامی، اسلام انسان را موجودی آزاد می‌داند، و حتی به این موجود آزاد نهیب می‌زند که در شرایط اجتماعی که هستی نیست، نمیر، یا بمیران یا بمیر یا لااقل هجرت کن بهر حال تسلیم محیط فاسد نشو اما اسلام روی نقش‌کننده محیط فاسد، نقش‌کننده فساد و ظلم حاکم بر محیط که حرکت انسان آزاد را کند و دشوار می‌کند حساسیت دارد و نمی‌تواند در برابر این نقش‌کننده و ظلم و فساد ساکت و

بی تفاوت بماند... نتیجه آنکه در اسلام آزادی‌های فردی، محدودیت‌های اجتماعی نیز دارد. انسان آزاد است اما در چهارچوب حدودالله و در چهارچوب قوانین الهی...»<sup>۷</sup>

دکتر بهشتی وجود آزادی واقعی را در پرتو استقلال و رفع انواع وابستگیها معنادار می‌داند او در این زمینه می‌گوید:

«در یکی دو سه ماهه قبل از پیروزی بیست و دوم بهمن ماه یک جریانی بود و آن اینکه عده‌ای شعار ضد استبداد و مبارزه با استبداد را مطرح می‌کردند بدون آنکه شعار مبارزه با استعمار را همراه آن مطرح کنند. اول چنین گمان می‌رفت که این موضوع بدلیل این است که چون استبداد ظاهرتر و آشکارتر است آن را مطرح می‌کنند... بعد که با صاحبان این شعار و گروههایی که این شعارها را می‌داند صحبت شد معلوم شد خیر اینها اصولاً یک تزی دارند و آن اینکه می‌گویند ما اول می‌رویم و با کمک فلان ابرقدرت و یا با موافقت او استبداد را می‌کوبیم بعد که استبداد را کوبیدیم، می‌رویم سراغ استعمار، در اینجا بود که ما فهمیدیم با این آقایان یک اختلاف نظر جدی داریم و آن این است که ما معتقد بودیم که چون استبداد اصولاً آلت و ابزار استعمار است به هر حال باید جنگ و مبارزه در درجه اول متوجه صاحب این آلت یعنی استعمار باشد... اصولاً در جامعه‌ای که از استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و امثال اینها دفاع نشود... صحبت از تحصیل آزادیها، شعر و خیال است و بالعکس در جامعه‌ای که استبداد بخواهد در زمان ما بماند و یا بوجود بیاید، این استبداد چون متکی به وجود مردم نیست تکیه‌گاهش را کجا باید پیدا کند؟ مسلماً از خارج...»<sup>۸</sup>

آیت‌الله دکتر بهشتی در جای دیگر آرای مردم را دارای نقش بسیار مؤثر و بنیادی در اداره امور کشور دانسته و می‌فرماید: «برطبق موازین اسلامی و برطبق آنچه که عنوان جمهوری اسلامی ایجاب می‌کند، آنچه در اداره امور کشور نقش بسیار مؤثر و بنیادی دارد، آرای مردم است. در آن روزها که پیرامون کیفیت حکومت و اداره آن بحث می‌کردیم آنجا که مربوط به این کیفیت می‌شد، با صراحت و تأکید گفتیم که حکومتی می‌تواند حکومت صحیح و سالم و موفق باشد که «مردمی» باشد و مردم او را بپذیرند و حمایت کنند و این همان اصلی است که در طول انقلاب روی آن تکیه می‌شد»<sup>۹</sup>

محتوا و چگونگی اعمال نقش مردم و برقراری انواع آزادیها (آزادی عقیده، پیمان ۱۱۷ مطبوعات، تبلیغ، احزاب و جمعیتها و...) به خوبی در جزوه «مواضع ما» که در حقیقت بیان اندیشه‌های شهید مظلوم دکتر بهشتی است مشخص شده است.<sup>۱۰</sup>

— آیت‌الله مطهری (۱۳۵۸ - ۱۲۹۷) فیلسوف بزرگ مردم سالاری اسلامی

استاد شهید مرتضی مطهری از بزرگترین اندیشه ورزان اسلامی دوره معاصر بود. او با تمامی محدودیتهایی که از لحاظ امکانات داشت، در ابلاغ پیام راستین اسلام به نسل جوان کشور، یک لحظه فروگذاری نکرد. او نه تنها در مدارس حوزه علمیه طلاب دینی متعددی را با فرهنگ اصیل اسلام آشنا ساخت، بلکه با تدریس در دانشکده الهیات دانشگاه تهران عملاً زمینه‌های پیوند روحانیون با دانشگاهیان را فراهم می‌کرد. او هیچ‌گاه ارتباط خود را با امام خمینی (ره) قطع نکرد و دائماً در حال مبارزه مخفیانه به نفع انقلاب اسلامی بود و در موارد متعددی نیز از سوی دستگاه رژیم ستم‌شاهی دستگیر شد. او حساسیت خاصی به آگاهی بخشی نسل جوان داشت و پیوسته در تلاش برای جلوگیری از بدفکری و کج اندیشی آنان بود.

استاد شهید مطهری با سخنرانی‌های متعدد در حسینیه ارشاد، مساجد و... پاسخگوی سئوالات مختلف جوان‌ها بود. کما اینکه در آثار قلمی خویش نیز همواره درصدد برآوردن نیاز افکار عمومی جامعه به خصوص نسل جوان نسبت به عقاید اسلامی بود.<sup>۱۱</sup>

استاد مطهری با تفکیک میان آزادی تفکر و آزادی عقیده می‌فرماید:

«بنابراین تفاوت است میان آزادی تفکر و آزادی عقیده، اگر اعتقادی بر مبنای تفکر باشد، عقیده‌ای داشته باشیم که ریشه آن تفکر است، اسلام چنین عقیده‌ای را می‌پذیرد. غیر از این عقیده را اساساً قبول ندارد.

آزادی این عقیده آزادی فکر است، عقایدی که بر مبنای وراثتی و تقلیدی از روی جهالت به خاطر فکر نکردن و تسلیم شدن در مقابل عوامل ضد فکر در انسان پیدا شده است، این‌ها را هرگز اسلام به نام آزادی عقیده نمی‌پذیرد.»<sup>۱۲</sup>

استاد شهید مطهری در جای دیگر می‌گویند:

«این است آزادی در تفکر. پس اسلام که رشته تقلید را از اساس پاره کرده است و

می‌گوید من اصول دین را بدون آن که آزادانه آن را درک کرده باشید نمی‌پذیرم، چنین مکتبی آیا اصلاً امکان دارد که مردم را مجبور بکند به این که بیاید اسلام را به زور بپذیرید؟»<sup>۱۳</sup>

آیت‌الله مطهری در جای دیگر صرفاً "مصلحت انسانیت را محدودکننده آزادی دانسته و می‌گوید:

«آزادی را چه چیز محدود می‌کند؟ به عقیده «میل» هیچ چیز مگر زیان فرد دیگر یا جامعه. به عقیده «لاک» مصلحت فرد و مصلحت جامعه یعنی اکثریت، به عقیده ما مصلحت انسانیت به طور کلی.»<sup>۱۴</sup>

متفکر شهید استاد مطهری ادامه راه صحیح انقلاب اسلامی را صرفاً در اثر وجود آزادی فکر، بیان و قلم دانسته و می‌گوید:

«هرکس می‌باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد... اگر جلوی فکر را بخواهیم بگیریم، اسلام و جمهوری اسلام را شکست داده‌ایم.»<sup>۱۵</sup>

استاد مطهری اسلامی بودن جمهوری اسلامی را با حاکمیت ملی و دموکراسی در تضاد نمی‌داند و در این زمینه می‌فرماید:

«اسلامی بودن این جمهوری، به هیچ وجه با حاکمیت ملی و به طور کلی با دموکراسی منافات ندارد و هیچگاه اصول دموکراسی ایجاد نمی‌کند که بر یک جامعه، ایدئولوژی و مکتبی حاکم نباشد. ما می‌بینیم که احزاب معمولاً خود را وابسته به یک ایدئولوژی معینی می‌دانند و این امر را نه تنها بر ضد اصول دموکراسی نمی‌شمارند، که به آن افتخار هم می‌کنند.»<sup>۱۶</sup>

در جای دیگر استاد مطهری با تأکید، دموکراسی اسلامی می‌گویند:

«دموکراسی اسلامی بر اساس آزادی انسان است، اما این آزادی انسان، در آزادی شهوات خلاصه نمی‌شود.»<sup>۱۷</sup>

- اندیشه‌های دکتر شریعتی (۱۳۵۶ - ۱۳۱۲) و سایر متفکران

دکتر علی شریعتی یک جامعه‌شناس بزرگ و اندیشه‌ورز مهم اسلامی و یک متفکر دلسوز توده‌های محروم بود. بی‌شک سهم اساسی برای پیوستن دانشجویان و جوانان



۱۱۹ انقلابی به نهضت حضرت امام خمینی (ره) و ایدئولوژی انسان ساز اسلام متعلق به اوست. هیچ کس نباید در این نکته شکی داشته باشد که دکتر علی شریعتی در زمانی فریاد اسلام‌خواهی را در دانشگاه‌ها بلندکرد، که قبل از او هر استاد دانشگاه که می‌خواست رنگ و روی روشنفکری به خود بدهد ابتدا حمله‌ای به اسلام می‌کرد!

دکتر شریعتی از طریق کانون نشر حقایق اسلامی پدرش، مرحوم استاد محمد تقی شریعتی با فرهنگ اسلام آشنا شد و با اخذ دو دکترای در رشته جامعه‌شناسی و تاریخ اسلام از دانشگاه سوربن پاریس، از مایه‌های مهم آشنایی با تاریخ و جهان معاصر، تخصص در جامعه‌شناسی و اطلاع وسیع از ایدئولوژی اسلام توأمان بهره‌مند شد. به همین خاطر دکتر شریعتی از قدرت تحلیل بسیار بالایی برخوردار گشت. او ضرورت انطباق اسلام و مذهب تشیع با زمان و مقتضیات جدی آن را به خوبی درک کرد. به همین خاطر حسینیه ارشاد او پایگاهی مهم برای تشنگان نسل جوان محسوب می‌شد که از شهرهای مختلف دور دکتر شریعتی جمع می‌شدند.

دکتر شریعتی در مبارزه با رژیم ستم‌شاهی با تمامی امکانات خویش تلاش کرد و در این راه نیز چندین بار دستگیر شد و روانه زندان گشت. او برای اولین بار در سن ۲۴ سالگی همراه پدرش دستگیر شد بعد از تعطیل کردن حسینیه ارشاد از سوی ساواک، متواری شد، اما به دلیل دستگیری پدرش خود را معرفی کرد. ۱۸ ماه در زندان مقاومت و شکنجه را تحمل کرد و انواع اهانت‌های مأموران ساواک را به جان خرید. کتاب‌های او ممنوع شد و دارنده آن تحت پیگرد قرار می‌گرفت، به همین خاطر کتاب‌های او بیشتر منتشر شده و سریع‌تر گسترش می‌یافت. او با کتاب‌هایش بیشتر در جذب جوانان به اسلام ناب، تشیع علوی و مکتب ابونذر تأثیر داشت.<sup>۱۸</sup>

دکتر شریعتی در اکثر سخنرانی‌ها و آثار قلمی خویش، علیه وضعیتی موجود حاکم بر مردم، سخن می‌گفت و جوانان مسلمان را به تحرک انقلابی و مبارزه جویانه وامی‌داشت. او بارها و بارها علیه «سکوت» در مقابل ظلم و ستم و دیکتاتوری «فریاد» می‌کشید و معتقد بود: «اگر می‌توانی بمیران (جهاد) و گرنه بمیر (شهادت)».

او در جایی برای رهایی و آزادی توده‌ها چنین می‌گوید:

«پیغمبر که می‌جنگد برای آن است که مانع جهل شود و دیوار جدایی را بردارد تا پیامش را به گوش مردم برساند که بین او و انبیاء، قلدران و اشراف و حکام و سلاطین

۱۲۰ و برده داران و روحانیان و بت پرستان و نظامیان ایران و روم مانع شده‌اند. با شمشیر

این پرده‌ها را کنار می‌زند تا حرفش را به توده مردم آزاد شده بزند.<sup>۱۹</sup>

دکتر علی شریعتی در بحث نقش توده‌ها و مردم در حکومت، به فلسفه «امامت» معتقد است و انصافاً نیز از عهده تعیین این فلسفه به خوبی برآمده است.

او امت را تابع و تسلیم امام می‌داند، اما تسلیمی که آزادانه و با اختیار خویش انتخاب کرده است. او در این زمینه می‌گوید:

«پس امت... عبارت است از جامعه انسانی که همه افرادی که در یک هدف مشترک اند مشترک اند گرهم آمده‌اند تا بر اساس یک رهبری مشترک به سوی ایده آل خویش حرکت کنند... از معنای امت، امامت بیرون می‌آید... بنابراین امامت عبارت است از هدایت این امت به طرف آن هدف... امت، بی امامت نمی‌شود. از طرفی فرد انسانی وقتی عضو امت است که در برابر رهبری جامعه متعهد باشد و تسلیم. البته تسلیمی که خود آزادانه اختیار کرده است. فرد در امت دارای یک زندگی اعتقادی متعهد در برابر جامعه است و جامعه نیز متعهد به حرکت و حرکت نیز متعهد به رهبری و رهبری نیز به نوبه متعهد به ایدئولوژی و یا عقیده.»<sup>۲۰</sup>

### مهندس بازرگان

یکی دیگر از روشنفکران و اندیشه‌ورزان اسلامی که در مبارزات ضد استبدادی مردم نقش داشت، مهندس مهدی بازرگان است. او با تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان در گرایش ضد دانشگاهیان به اسلام، نقش مؤثری داشت و با نوشتن چندین کتاب در جهت تلفیق اندیشه‌های اسلامی با افکار نو کوشش نمود.

مهندس بازرگان علاوه بر عضویت در شورای انقلاب، از سوی حضرت امام خمینی (ره) به عنوان اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردید. او یکی از سران نهضت آزادی و از یاران دکتر مصدق بود و همواره با رژیم ستم شاهی درگیری داشت و چندین بار دستگیر شد. محور اصلی اندیشه‌های مهندس بازرگان طرفداری از «آزادی» و حکومت ملی بود. او در سال ۱۳۴۲ با پیروی از شیوه استدلالی آیت‌الله نائینی در دادگاه نظامی ضمن حمایت از آزادی استبداد را این گونه محکوم می‌کند:

«حکومت فرد استبدادگر به معنی بردگی کسانی است که تحت آن حکومت هستند. در صورتی که انسان تنها در برابر خدا باید بنده باشد و در نتیجه پذیرش حکومت‌های استبدادگرانه درست برابر شرک است.»<sup>۲۱</sup>

مهندس بازرگان در نوع نگرش خویش به آزادی، استقلال، حکومت ملی و اسلامی و چگونگی درهم شکستن رژیم ستم‌شاهی از همان ابتدا با دیگر اندیشه و رزان اسلامی مؤثر در انقلاب اسلامی تفاوت داشت، به همین دلیل نیز بعد از تسخیر لانه جاسوسی از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره) مسیر خود را از مسیر انقلاب جدا نمود، اما در عین حال او همواره از آرمان «آزادی» دفاع کرده است.

مهندس بازرگان در مورد نقش مردم، تأکید داشت که جمهوری دموکراتیک اسلامی را مطرح کند. او معتقد بود که:

«در رهبری پیغمبر اسلام بر امت نو بنیاد می‌بینیم در آنجا که پای ایمان و هدایت و ابلاغ در میان می‌آید مشورت با مردم و کسب موافقت آن‌ها در میان نیست. ضمن آنکه اکراه و الزامی هم در کار نیست، ولی آنجا که ارتباط با اداره و امرات پیدا می‌کند، نظرخواهی از مردم و همکاری یا بیعت مردم و همچنین تبعیت از رأی اکثریت حاکم است. بارها دیده شده است که پیغمبر بزرگوار و علی امیرالمومنین یا امام حسن علیهم الصلوٰة والسلام پیروی از آراء اکثریت علیرغم مخالفت و نظر صریح خودشان می‌نموده‌اند و صادقانه تن به حاکمیت مردم در امور دنیائی می‌داده‌اند.»<sup>۲۲</sup>

## تأثیر گفتمان آزادی و مردم‌سالاری در پیدایش انقلاب اسلامی

- استبداد و دیکتاتوری رژیم ستم‌شاهی عامل مهم انفجار مردم

بی‌شک یکی از عوامل مهم انفجار ملت ایران و زمینه‌های مؤثر در خیزش و قیام مردم در برپایی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ظلم و ستم و جور دستگاه ستم‌شاهی و تجاوز و تعدی سران رژیم پهلوی نسبت به حقوق مردم و استبداد، خودکامگی و دیکتاتوری پهلوی اول و دوم می‌باشد.

در طول نیم قرن حاکمیت خاندان پهلوی، انواع آزادی‌ها به جز در دوره‌های محدود آن هم به علل خاصی از مردم سلب شده است. از آزادی بیان، خبری نبود. در مطبوعات با حضور نمایندگان دستگاه امنیتی همه چیز می‌بایست کنترل شود و از تیغ سانسور بگذرد. آزادی اجتماعات وجود نداشت، در این اواخر همه مردم آزاد بودند که صرفاً در حزب ساخته شاه یعنی حزب رستاخیز نام‌نویسی کنند. در سال‌های ۵۰ تا ۵۴ خفقان در ایران به اوج خود رسیده بود. هر صدای حق‌طلبانه در گلو خفه می‌شد. داشتن حتی یک اعلامیه حضرت امام خمینی (ره) با بخش‌نامه رسمی ساواک جرم محسوب شده و گاهی تا پنج سال محکومیت زندان را به همراه داشت.

وقاحت دست‌اندرکاران رژیم ستم‌شاهی به حدی رسیده بود که در این اواخر حتی داشتن رساله عملیه امام خمینی (ره) نیز جرم محسوب می‌گشت. کتاب‌های اندیشه‌ورزان اسلامی و روشنفکران مسلمان ممنوع بود. صدها مبارز زیر شکنجه‌های قرون وسطایی ساواک به شهادت رسیدند. شکنجه‌هایی که حتی شکنجه‌گران رژیم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در دادگاه‌های انقلاب از بیان آن شرم داشتند.<sup>۲۳</sup> سلول انفرادی آن هم گاهی تا چهار ماه پاداش تخلف یک زندانی از قوانین حاکم بر زندان بود.<sup>۲۴</sup>

در زیر شکنجه ساواک امثال آیت‌الله سعیدی و آیت‌الله غفاری در سال ۱۳۵۷ به شهادت رسیدند. گاهی گروهی از جوانان مبارز را یکجا بدون رعایت هیچ یک از موازین حقوقی، به گلوله می‌بستند و بعد اعلام می‌کردند که این‌ها در انتقال از یک زندان به

ساواک مخوف نه تنها در تعقیب مبارزان در داخل کشور سر از پا نمی‌شناخت، بلکه تشکیلات این دستگاه امنیتی در خارج از کشور نیز انواع فشارها را بر دانشجویان انقلابی و مبارزان مسلمان وارد می‌کرد.

مردم به چشم خود می‌دیدند که جوانان، دانشجویان، روشنفکران، روحانیون و مجتهدان صرفاً به جرم اسلام‌خواهی، حق‌طلبی، آزادی‌خواهی، عدالت‌جویی، مردم‌دوستی و... باید شکنجه شوند، به گلوله سپرده شوند، به تبعید بروند، سرکوب گردند و یا تهدید شوند<sup>۲۶</sup> و خلاصه هیچ‌گاه در زندگی خویش آرامش نداشته باشند و همواره زیر شلاق ستم و ظلم باقی بمانند<sup>۲۷</sup>... این سلب آزادی‌ها را مردم با تمام وجود لمس می‌کردند و بالاخره کاسه صبرشان لبریز شد و به فرمان حضرت امام دست به قیام پرشور زدند.

در زمینه نقش مردم در تعیین سرنوشت خود وضعیت برتر از مسأله سلب آزادی‌ها بود.

اولاً: قوانین انتخاباتی مجلس شورای ملی، چنان تنظیم می‌شد که از حضور جدی مردم در ارکان حکومت جلوگیری می‌کرد.

ثانیاً: اگر همان قوانین مصوب باز به خوبی اجرا می‌شد و نمایندگان واقعی مردم در مجالس حضور می‌یافتند باز قابل تحمل بود؛ زیرا بالاخره با مشارکت مردم ولو به صورت محدود، این مجلس برپا شده، متأسفانه به جز چند دوره محدود، بقیه مجالس مردمی نبوده و در برابر قدرت حاکم تسلیم محض بودند و حتی براساس گفته سران رژیم ستم‌شاهی، گاهی لیست اسامی وکلای این مجالس از سوی سفارتخانه‌های بیگانه تنظیم می‌شد.

مجلس اول مشروطیت به کودتای محمدعلی شاه منجر و به توپ بسته شد و تعطیل گشت. مجلس دوم با اولتیماتوم روس مواجه شد و چون زیر بار اولتیماتوم نرفت، به دست ناصرالملک منحل شد. مجلس سوم با جنگ بین‌الملل اول مواجه بود و هنوز یکسال از عمر آن نگذشته بود، که به علت فشار انگلیس و روسیه قبل از اتمام مدت خویش متوقف شد.

مجلس چهارم نیز علی‌رغم نوعی مردم‌گرایی اولیه آن با کودتای ۱۲۹۹ رضاخان

مواجه شد و مجلس پنجم به بعد نیز با نفوذ و نظارت عمال رضاخانی و محمدرضاخانی تشکیل شد و این نمایندگان هرگز نمایندگان مردم نبودند، بلکه نمایندگان دولت محسوب می‌شدند.<sup>۲۸</sup>

گفته می‌شود رسم نمایندگان منتخب دولت این بود که روزهای دوشنبه به پیشگاه ملوکانه اعلیحضرت!! شرفیاب می‌شدند و بهر کاری که نسبتاً مهمتر و ایشان به آن علاقمندتر بود، کافی بود فقط اشاره‌ای بکند و این قبیل وکلا اطاعت کامل داشتند. نمونه قوانین ضد مردمی این مجالس فرمایشی را می‌توان به اعطای صفت ایرانی الاصل به فوزیه در تفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی دانست که به اتفاق آرا در مجلس تصویب شد.<sup>۲۹</sup>

### ۲- آزادی و مردم‌سالاری اهداف مهم مردم در برپایی انقلاب اسلامی

ملت ایران با تمام وجود در صدد رهایی از چنین وضعیت خفت‌بار و ذلت‌آور استبداد و خفقان شاهنشاهی بودند و می‌خواستند به «آزادی» برسند، و در عمل و نه در تبلیغات «حاکمیت ملی» را تجربه کنند البته مردم، همه اینها را در سایه «حکومت اسلامی» امکان‌پذیر می‌دانستند. به همین خاطر هیچ‌گاه و در هیچ یک از راهپیمایی‌ها و تظاهرات حرکت‌های انقلابی شعار «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» از دهان مردم نمی‌افتاد.

شعارهای مردمی از تمایلات شدید آزادی‌خواهانه، ضد استبدادی و طرفداری از حکومت متکی به مردم نشان دارد و نمایانگر این است که حصول به آزادی و مردم‌سالاری در سایه حکومت اسلامی را هدف مهم انقلاب اسلامی می‌دانستند.

علاوه بر شعارها، ملت ایران در کلیه راهپیمایی‌ها قطعنامه‌ای صادر کرده و خواسته‌های خویش را در آن اعلام می‌کردند. در این قطعنامه‌ها همواره بر آزادی و تشکیل حکومت اسلامی متکی به آرای عمومی تأکید می‌شد.

در اینجا بخش‌هایی از مهم‌ترین قطعنامه مردم بعد از روزهای تاسوعا و عاشورا (نهم و دهم محرم برابر با ۱۹ و ۲۰ آذر ۱۳۵۷) را ذکر می‌کنیم<sup>۳۰</sup>

۲. سقوط و برچیده شدن بساط شاه، رژیم سلطنتی استبداد...

۳. برقراری حکومت عدل اسلامی براساس آراء مردم... و تأمین آزادی‌های فردی و

اجتماعی با معیارها و ضوابط اسلامی.

۷. آزادی واقعی و حیثیت و شرف و کرامت انسانی زنان...

۱۶. آزادی کلیه زندانیان سیاسی و تبعیدی‌ها

در قطعنامه راهپیمایی روز اربعین آمده است.<sup>۳۱</sup>

۲. ما رژیم ارتجاعی شاهنشاهی را مردود می‌دانیم و خواهان برقراری حکومت

جمهوری اسلامی در ایران هستیم. جمهوری آزاد اسلامی که با رأی ملت بر سر کار آید و مملکت را بر مبنای تعالیم حیات‌بخش اسلام اداره کند.

### - جمهوری اسلامی تبلور آرمان دیرینه ملت ایران

آرمانی که ملت ایران در طول نهضت‌ها، قیام‌ها و جنبش‌های یک‌صدساله اخیر خویش بر آن اصرار ورزیده بود، با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، به آن دست یافت. ساختار حقوقی و عملکرد ۲۲ ساله این نظام (که تقریباً هر سال یکبار انتخابات برگزار شده است) بیانگر تحقق چنین خواسته‌ای است. در اینجا صرفاً مروری خواهیم داشت بر آنچه که در قانون اساسی در زمینه انواع آزادی‌ها و مبحث «جمهوریت» بیان شده است.

نگارنده، بحث تفصیلی این مبحث را در کتاب «دموکراسی در نظام ولایت فقیه»

آورده است.<sup>۳۲</sup>

### - انواع آزادی‌ها در قانون اساسی

آزادی به عنوان یک عطیه الهی، از ارزش بسیار زیادی در حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران برخوردار است که در پرتو کرامت انسان، زمینه تکامل جامعه اسلامی را فراهم می‌سازد. به خاطر همین ارزش فوق‌العاده است که اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا» را در ردیف مبانی اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر می‌کند و براساس بندهای ششم و هفتم اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است که تمامی امکانات خود را برای «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» و «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» به کار گیرد.

براساس اصل نهم، حفظ آزادی، وظیفه دولت و آحاد مردم شمرده شده است و هیچ

مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. حتی براساس اصل هفتاد و نهم، برقراری حکومت نظامی ممنوع است و اگر هم مجلس شورای اسلامی در حالت جنگ و شرایط اضطراری موقتاً محدودیت‌هایی را تصویب کند، نباید بیش از سی‌روز طول بکشد. آزادی عقیده در اصل بیست و سوم قانون اساسی با بیان اینکه «هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد» مطرح نشده است. آزادی بیان و مطبوعات، در اصل بیست و چهارم مورد تأکید قرار گرفته است و براساس آن نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب به شرط آن که مخلّ مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشند، آزاد می‌داند.

در صورت ارتکاب جرایم سیاسی و مطبوعاتی براساس اصل یکصد و شصت و هشتم رسیدگی به چنین جرایمی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد و نه تنها در مطبوعات آزادی بیان وجود دارد، بلکه براساس اصل یکصد و هفتاد و پنجم، آزادی بیان و نشر افکار باید در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز تأمین گردد.

اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی حق می‌دهد که در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نمایند و براساس اصل هشتاد و ششم آزادی اظهار نظر و رأی برای نمایندگان مجلس وجود دارد و نمی‌توان آن‌ها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد.

آزادی احزاب و جمعیت‌ها در اصل بیست و ششم قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است و هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها در اصل بیست و هفتم (در صورتی که بدون حمل سلاح باشد و مخلّ به مبانی اسلام نباشد) بیان شده است.

اصل بیست و هشتم قانون اساسی آزادی انتخاب شغل را مطرح کرده می‌گوید:

«هرکسی حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران نیست برگزیند.» براساس بند چهارم اصل چهل و سوم نیز یکی از



۱۲۷ ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران همان رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین می‌باشد.

آزادی انتخاب مسکن متناسب با نیاز در اصل سی و یکم قانون اساسی تأکید شده است. اصل چهل و ششم با بیان اینکه «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند» بر آزادی مالکیت تأکید دارد. کما اینکه اصل چهل و هفتم با بیان اینکه «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است...» آزادی استفاده شخصی از اموال را به رسمیت می‌شناسد.

مصونیت از تعرض نسبت به جان، مال، حیثیت، حقوق، مسکن و شغل افراد در اصل بیست و دوم قانون اساسی تثبیت شده است و حتی براساس اصل سی و نهم هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع بوده و موجب مجازات خواهد بود.

اصل سی و هشتم قانون اساسی، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع را ممنوع می‌داند و چون اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست، چنین شهادت و اقرار و سوگندی را فاقد ارزش و اعتبار می‌داند و در صورت تخلف از این اصل، متخلف باید طبق قانون مجازات شود.

آزادی مراجعه به دادگاه صالح و دادخواهی طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی حق مسلم هر فرد است و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد. آزادی و حقوق زن در اصل بیست و یکم قانون اساسی تضمین شده است. دولت موظف شده است که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه‌های مساعدی را برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ایجاد نماید.

**اتکاء به آرای عمومی و اصل «جمهوریت» در قانون اساسی**

براساس بند هشتم از اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای تحقق «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، به کارگیرد»<sup>۳۳</sup> اصل ششم قانون

«در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.»

در ارتباط با انتخاب مقام رهبری بر اصل یکصد و هفتم و اصل یکصد و هشتم خبرگان از سوی مردم انتخاب می‌شوند تا ولی‌فقیه واجد شرایط را انتخاب کنند.

در ارتباط با انتخاب رئیس جمهور، اصل یکصد و چهاردهم قانون اساسی می‌گوید: «رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود.»

اصل شصت و دوم قانون اساسی به مسأله انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی توسط مردم اشاره دارد و می‌گوید:

«مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شود تشکیل می‌گردد...»

بر اساس اصل هشتاد و هفتم، هیأت وزیران، باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و مجلس حق سؤال و استیضاح هر یک از وزرا و یا رئیس جمهور را بر اساس اصول هشتاد و هشتم و هشتاد و نهم داراست. بنابراین به طور غیرمستقیم مردم در انتخاب هیأت وزیران نقش دارند.

بر اساس اصل پنجاه و نهم در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم نظر مردم خواسته می‌شود. بر اساس اصل یکصد و شصت و یک، انتخاب اعضای شوراها (استان، شهرستان، شهر، بخش، روستا و نظایر اینها) با مردم است و اهمیت شوراها به حدی است که حتی بر اساس اصل یکصد و دوم، شورای عالی استان‌ها حق دارد مستقیماً یا از طریق دولت طرح‌هایی را به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. بر اساس اصل یکصد و چهارم در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها نیز باید شورا تشکیل شود.

اصل یکصد و سوم نیز کلیه استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات را در حدود اختیارات شوراها، ملزم به رعایت تصمیمات آنها نموده است.

## امام خمینی(ره) و گفتمان آزادی و مردم‌سالاری

- آزادی و مردم‌سالاری در اندیشه‌های سیاسی و سیره عملی امام خمینی(ره)

حضرت امام خمینی(ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به عنوان اصلی‌ترین تئوریسین انقلاب اسلامی بارها و بارها در طول پیام‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و نامه‌های خویش قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع نهضت خویش از زمان مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، غیر از مسأله روش‌های اسلام‌زدایانه و وابستگی‌های رژیم پهلوی، مهم‌ترین دلایل مبارزه ملت ایران را عدم وجود آزادی و عدم مقبولیت مردمی (ویا مشروعیت سیاسی) رژیم ستم‌شاهی اعلام فرموده‌اند. در عین حال هدف ملت ایران را از نهضت اسلامی، علاوه بر تشکیل حکومت اسلامی، رسیدن به آزادی و دستیابی به حکومت مردمی دانسته‌اند. در اینجا به دلیل کثرت شواهد صرفاً باختصار نمونه‌هایی از این دیدگاه را در دو نکته بیان می‌کنیم.

### نکته اول: وجود اختناق و دیکتاتوری علت مبارزه

حضرت امام خمینی(ره) از همان آغاز مبارزه در سال ۱۳۴۱ دولت را نصیحت می‌کردند که از اختناق و دیکتاتوری دست بکشند: <sup>۳۴</sup> به عنوان مثال فرمودند:

«شما بیاید نصیحت مرا گوش کنید. همانطوری که من به این اشخاص که می‌آمدند این مطلب را کراراً گفتم که آقا حالا دیدید با زجر، با کتک، با حبس، با شکنجه، با تبعید، با اهانت، با همه این امور، بردی نکردید، دیدید که ملت عصبانی می‌شود. نمی‌شود یک ملت را آخر زیر چکمه نگه داشت. این را دیدید، بیاید یک قدری تغییر مشی بدهید...» <sup>۳۵</sup>

امام خمینی(ره) در مصاحبه‌ای چنین فرموده‌اند:

«تمام انحاء آزادی از ما سلب شده است. ما در این ۵۰ سال حتی یک مجلس ملی نداشتیم... در زمان رضاشاه سلطنت را منتقل کردند و ملت به کلی مخالف بود... لکن سرنیزه نگذاشت که این مخالفت را اظهار کنند. اگر محمدرضا شاه در سلطنت باقی

۱۳۰ باشد، چند سال دیگر مملکت ما رو به فقر و نیستی خواهد رفت. بنابراین تا ایشان نرفته است مملکت ما نمی‌تواند روی آزادی و ترقی ببیند و باید برود.»<sup>۳۶</sup>

در جای دیگر حضرت امام(ره) می‌فرمایند:

«مردم از اختناق و خیانت‌های پنجاه‌ساله به جان آمده و برای مطالبه حقوق اولیه خود قیام نموده‌اند. هدف ما برقراری جمهوری اسلامی و برنامه ما تحمیل آزادی و استقلال است.»<sup>۳۷</sup>

حضرت امام خمینی(ره) در سخنرانی معروف خویش در بهشت زهرا فرمودند:

«خون‌های جوانان ما برای این جهات ریخته شده، برای اینکه آزادی می‌خواهیم ما. ما پنجاه سال است که در اختناق به سربردیم، نه مطبوعات داشتیم، نه رادیوی صحیح داشتیم، نه تلویزیون صحیح داشتیم، نه خطیب می‌توانست حرف بزند، نه اهل منبر می‌توانستند حرف بزنند، نه امام جماعت می‌توانست آزاد، کار خودش را ادامه بدهد...»<sup>۳۸</sup>

در همین سخنرانی حضرت امام(ره) مهم‌ترین استدلال خویش را مبنی بر باطل بودن و غیر مشروع بودن رژیم پهلوی، فقدان مشروعیت سیاسی و یا مقبولیت مردمی می‌دانند. عدم مقبولیتی که از بدو تأسیس سلطنت پهلوی مطرح است. ایشان می‌فرمایند:

«آن‌هایی که در سن من هستند ... که مجلس مؤسسان را با زور سرنیزه تأسیس کردند. ملت هیچ دخالتی نداشت در مجلس مؤسسان... پس از این سلطنت از اول یک امر باطلی بود، بلکه اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشری است. اگر چنانچه سلطنت رضاشاه فرض بکنیم که قانونی بوده، چه حقی آن‌ها داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند؟ هر کسی سرنوشتش با خودش است.»

مگر پدرهای ما ولی ما هستند؟ این ملتی که سرنوشت خودش با خودش باشد، در این زمان می‌گوید که ما نمی‌خواهیم این سلطان را در تمام مشروطیت الا بعضی از زمان‌ها آن هم نسبت به بعضی از وکلا، مردم دخالت نداشتند در تعیین وکلا... مجلسی که بدون اطلاع و رضایت مردم است، این مجلس، مجلس غیرقانونی است، دولتی که از همچو مجلسی و همچو سلطانی انشاء بشود، این دولت غیرقانونی است...»<sup>۳۹</sup>

### نکته دوم: دستیابی به آزادی و دموکراسی اسلامی هدف مبارزه

بارها و بارها حضرت امام در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و پیام‌های خویش هدف از مبارزه را برقراری حکومت اسلامی، کسب استقلال، رسیدن به آزادی و نظام مردمی دانسته‌اند، در اینجا چند نمونه از سخنان ایشان که هدف از مبارزه را تحصیل آزادی و دستیابی به حکومت مردمی اعلام فرموده‌اند، نقل می‌کنیم:

ایشان می‌فرمایند:

«اینها دارند داد و فریاد می‌زنند که ما آزادی می‌خواهیم و ما این خاندان را نمی‌خواهیم برای اینکه این‌ها آزادی را از ما سلب کرده‌اند و این‌ها منافع همه ما را غارت کرده‌اند به نفع خودشان و به نفع خارجی....»<sup>۴۰</sup>

حضرت امام خمینی(ره) دموکراسی اسلامی را رژیم عادلانه دانسته و می‌فرماید:

«رژیمی که به جای رژیم ظالمانه شاه خواهد نشست رژیم عادلانه‌ای است که شبیه آن در دموکراسی غربی نیست و پیدا نخواهد شد. ممکن است دموکراسی مطلوب ما، با دموکراسی‌هایی که در غرب هست مشابه باشد، اما آن دموکراسی که ما می‌خواهیم به وجود آوریم، در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام کامل‌تر از دموکراسی غرب است.»<sup>۴۱</sup>

حضرت امام خمینی(ره) در جای دیگر هدف از قیام انقلابی ملت ایران را این چنین می‌فرماید:

«مخالفین رژیم، یک ملت است و ناچار ملت پیروز است. با قیام انقلابی ملت شاه خواهد رفت و حکومت دموکراسی و جمهوری اسلامی برقرار می‌شود. در این جمهوری یک مجلس ملی مرکب از منتخبین واقعی مردم، امور مملکت را اداره خواهند کرد، حقوق مردم خصوصاً اقلیت‌های مذهبی محترم بوده و رعایت خواهد شد.»<sup>۴۲</sup>

حضرت امام خمینی(ره) دولت اسلامی را یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی دانسته و می‌فرماید:

«دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقع است هر کس می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند و دولت اسلامی تمام منطقی‌ها را با منطق جواب خواهد داد.»<sup>۴۳</sup>

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در همان سخنرانی معروف بهشت زهرا ویژگی دولت اسلامی را چنین می‌فرمایند:

«دولتی که ما می‌گوییم، دولتی است که متکی به آراء ملت است. متکی به حکم خداست، تو باید یا خدا را انکار کنی یا ملت را»<sup>۴۴</sup>

امام خمینی(ره) در پیام رادیو و تلویزیونی پس از انجام رفراندوم جمهوری اسلامی در ۵۸/۱/۱۲ می‌فرماید:

«دموکراسی اسلامی صحیح است و ما بعدها اگر توفیق پیدا بکنیم به شرق و غرب اثبات می‌کنیم که این دموکراسی که ما داریم، این دموکراسی است، نه آنکه شما دارید و طرفدار سرمایه دارهای بزرگ هستید.»<sup>۴۵</sup>

ایشان در مصاحبه با مجله محلی ل، اکو در تاریخ ۵۷/۱۰/۲۵ دموکراسی را مندرج در اسلام دانسته و می‌فرماید:

«در اسلام، دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال.»<sup>۴۶</sup>

و در جای دیگر فرموده‌اند:

«آن دموکراسی که در اسلام است، در سایر جاها نیست. اسم در سایر جاها هست، یعنی هیاهو و سرو صدا هست... لکن وقتی که ما ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که همان مسائل دیکتاتوری در همه‌شان هست.»<sup>۴۷</sup>

ایشان در پیامی که به مناسبت کشتار دانش‌آموزان در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ صادر نموده، نظام جمهوری اسلامی را حافظ دموکراسی دانسته و فرموده‌اند:

«نظام حکومتی ایران، جمهوری اسلامی است که حافظ استقلال و دموکراسی است و بر اساس موازین و قوانین اسلامی اعلام می‌شود.»<sup>۴۸</sup>

کما اینکه ایشان در مصاحبه با خبرنگار تلویزیون فرانسه در تاریخ ۵۷/۸/۵، مکتب اسلام را تضمین‌کننده همه انحاء دموکراسی دانسته و فرموده‌اند:

«اسلام... می‌تواند تضمین همه انحاء دموکراسی را بکند و کشوری که ما می‌خواهیم، کشور اسلامی به همه معناست.»<sup>۴۹</sup>

مفهوم جمهوری اسلامی را امام خمینی(ره) در یک عبارت مختصر چنین توضیح فرموده است:

۱۳۳ «بالجمله حکومت، حکومت اسلام و مردم است و مجلس از مردم است و رأی  
نیز از آن مردم است.»<sup>۵۰</sup>

ایشان در پاسخ به نماینده «پاپ پل ششم» که برای آزادی گروگان‌ها به دیدارشان  
آمده بود، به عدم جواز شرعی «تحمیل» بر مردم اشاره کرده و می‌فرماید:

«آقای پاپ این را بدانند که مسأله، مسأله‌ای نیست که من بتوانم بالشخصه حل  
کنم. ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی بر ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده  
است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آراء ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم  
از آن‌ها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است.  
پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به مسلمان یک چیزی را تحمیل کنیم.»<sup>۵۱</sup>

یادآوری نکته ظریفی در پایان این نوشتار خالی از لطف نیست. معمولاً عده‌ای  
تلاش می‌نمایند که عدم پذیرش نام «جمهوری دموکراتیک اسلامی» از سوی امام  
خمینی(ره) را به خاطر ضدیت اسلام و دموکراسی قلمداد نمایند. در حالی که ایشان  
علاوه بر ابهام در واژه دموکراتیک، یکی از دلایل اساسی حذف واژه دموکراتیک را  
مندرج بودن دموکراسی در متن اسلام دانسته و لفظ دموکراتیک را واژه زایدی در کنار  
اسلام تلقی می‌نماید. امام خمینی(ره) نکته مذکور را در مصاحبه اوریانا فالاجی در  
تاریخ ۵۸/۶/۲۱ به شکل زیر پاسخ گفته‌اند:

سؤال: حضرت امام! شما چرا از اول روی یک کلمه‌ای خط کشیدید و آن دموکراتیک  
است که رویش خط کشیدید و فرمودید «جمهوری اسلامی» نه یک کلمه بیشتر و نه یک  
کلمه کمتر؟

جواب: «بله این مسأله دارد. یک مسأله این است که این توهم، این را در ذهن  
می‌آورد که اسلام محتوایش خالی است از این، لذا احتیاج به این است که یک قیدی  
پهلویش بیاورند و این برای ما بسیار حزن‌انگیز است که در محتوای یک چیزی که همه  
چیزها به طریق بالاترش و مهم‌ترش در آن هست، حالا ما بیایم بگوییم که ما اسلام  
می‌خواهیم و اما با اسلامان دموکراسی باشد. اسلام همه چیز است. مثل این است که  
شما بگویید که ما اسلام را می‌خواهیم و می‌خواهیم که به خدا هم اعتقاد داشته  
باشیم.»<sup>۵۲</sup>

ایشان در سخنرانی معروف بهشت زهرا فرمودند:

«من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم، من به واسطه اینکه ملت مرا قبول دارد...»<sup>۵۳</sup>

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در اولین فرمان حکومتی خویش به آقای مهندس بازرگان در ۵۷/۱۱/۱۵ حق انتخاب نخست‌وزیر را ناشی از آرای اکثریت قاطع قریب باتفاق ملت ایران دانسته و فرموده‌اند:

«... برحسب حق شرعی قانونی ناشی از آراء اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است ... جنابعالی را.... مأمور تشکیل دولت موقت می‌نماییم...»<sup>۵۴</sup>

### - آراء و نظریات فقهی

در اندیشه‌های فقهی حضرت امام خمینی(ره)، مردم در برپایی حکومت و مشروعیت سیاسی (مقبولیت مردمی) حاکم اسلامی و همچنین تداوم حاکمیت بر مبنای مردم سالاری نقش اساسی دارند.

نگارنده به تفصیل در دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی(ره) و احیاء تفکر دینی، مشروعیت دوگانه ولی‌فقیه (مشروعیت الهی و مشروعیت مردمی) را بر اساس اندیشه‌های فقهی امام خمینی(ره) مورد بررسی قرار داده و نیازی به شرح و بسط فراوان این موضوع در این پژوهش نمی‌بیند، اما در اینجا فقط به این نکته بسنده می‌شود که دیدگاه حکومت انتصابی را به امام خمینی(ره) نسبت دادن از جمله ظلم‌هایی که برخی دشمنان آگاه و دوستان نادان به آن پرچمدار بزرگ اسلام ناب محمدی(ص) روا می‌دارند.<sup>۵۵</sup>

در دیدگاه امام خمینی(ره)، فقیه عادل در عصر غیبت هر چند باید به نیابت از امام زمان(عج) به تصدی حکومت بپردازد، اما مادامی که منتخب مستقیم یا غیر مستقیم مردم نباشد، شرعاً حق تصدی حکومت ندارد.

شاید پاسخ امام خمینی(ره) به یک استفتاء که ایشان شرط تولی امور مسلمین را آراء اکثریت آنان می‌دانند، به اندازه کافی بیانگر گفتمان مردم سالاری اسلامی در نظریات فقهی ایشان باشد. متن استفتاء و پاسخ امام خمینی(ره) به شرح زیر است:



بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی(ره) رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی!

پس از اهداء سلام و تحیت

در چه صورت فقیه جامع‌الشرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد؟

نمایندگان حضرت‌تعالی در دبیرخانه ائمه جمعه سراسر کشور

(خاتم‌یزدی، توسلی، عبائی، کشمیری، قاضی عسکر)

بسمه تعالی

ولایت در جمیع صورت دارد لکن تولى امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی

دارد به آراء اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم در آن یاد شده است و در صدر

اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین

روح‌الله الموسوی الخمینی<sup>۵۶</sup>

-مردم علت «محدثه» و «مبقیه» نظام اسلامی

حال که سیره عملی و اندیشه‌های سیاسی و فقهی حضرت امام خمینی(ره) در مورد

مردم و نقش اساسی آنان در پیدایش حکومت اسلامی و تعیین حاکم اسلامی مشخص

شد، در این قسمت می‌خواهیم بر این نکته تأکید کنیم. همان‌گونه که ملت علت «محدثه»

انقلاب اسلامی بوده‌اند به همان شکل نیز علت «مبقیه» آن نیز خواهند بود.

البته تشریح و تنظیم مجموع نظرات حضرت امام در پیام‌ها، سخنرانی‌ها،

مصاحبه‌ها، نامه‌ها و... در زمینه موضوع مورد بحث به اندازه‌ای گسترده است که قطعاً

چندین کتاب خواهد شد و بی‌شک از حوصله تحقیق حاضر خارج است، اما در اینجا

صرفاً به وصیت نامه سیاسی - الهی حضرت امام که قطعاً باید نصب‌العین همه مردم و

یکایک دست‌اندرکاران و مسؤولان باشد نظری اجمالی داریم تا دیدگاه حضرت امام در

مورد نقش بنیادی مردم مشخص‌تر گردد.

افتخار به وجود ملت ایران در مقدمه وصیت نامه حضرت امام به عنوان یکی از افتخارات مهم مکتب اسلام قلمداد شده است. حضرت امام در این زمینه می‌فرمایند:

«ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفه ما در این راه بزرگ سرنوشت‌ساز سراز پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند.»<sup>۵۷</sup>

### مردم رکن اصلی انقلاب

حضرت امام دو رکن اساسی انقلاب اسلامی را این‌گونه مطرح می‌فرمایند:<sup>۵۸</sup>

«بی تردید رمز بقا انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند، نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد.»<sup>۵۹</sup>

### برتری ملت ایران از مردم زمان رسول‌الله(ص) و ائمه اطهار

حضرت امام خمینی(ره) با بیان شکایات رسول‌الله(ص) و ائمه اطهار از مردم زمان خودشان و نیز اوج حماسه‌آفرینی و فداکاری ملت ایران آن هم در حالی که در محضر رسول‌اکرم(ص) نه در محضر امام معصوم صلوات‌الله علیه هستند را از دلایل برتری ملت ایران بر مردم آن زمان دانسته و می‌فرمایند:

«من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران بر مردم آن زمان و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عصر رسول‌الله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات‌الله سلامه علیها می‌باشند. اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصر و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم.»<sup>۶۰</sup>

ضرورت قدردانی از ملت و عدم فروگذاری در خدمت به آنان خصوصاً مستضعفان حضرت امام خمینی(ره) در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش برای همیشه تاریخ به

مجلس و دولت و دست‌اندرکاران چنین توصیه می‌فرمایند:

«به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستم‌دیدگان که نور چشمان ما و اولیاء نعم همه هستند و جمهوری اسلامی ره‌آورد آنان و با فداکاری آنان تحقق پیدا کرده و بقاء آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید.»<sup>۶۱</sup>

سرنوشت مردم به دست خود مردم

حضرت امام با بیان سیر تاریخی انحراف مجالس قانونگذاری و جدایی آنان از ملت بعد از مشروطه تاکنون چنین می‌فرمایند:

«اکنون که با عنایت پروردگار عظیم‌الشان سرنوشت کشور به دست مردم افتاده و وکلاء از خود مردم و با انتخاب خودشان بدون دخالت دولت و خان‌های ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند.... وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خویش و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور، در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم به سوی غرب یا شرق و بدون گرایش به مکتب‌های انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی به مجلس بفرستند. هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد.»<sup>۶۲</sup>

وظایف وزراء در قبال مردم

حضرت امام به وزاری عصر حاضر و همه عصرها چنین وصیت می‌فرمایند:

«وصیت اینجانب به وزراء در عصر حاضر و عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها، بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید مال ملت و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستگه گاهی موجب غضب الهی می‌شود.

همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم، خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستم شاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار، به جای شما ستم پیشگان، پست‌ها را اشغال می‌نمایند. بنابراین حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی انسانی احتراز نمایید.»<sup>۶۳</sup>

### نتیجه

از مجموع مباحث چهار فصل حاضر به روشنی مشخص می‌گردد که اندیشه آزادی و آرمان تشکیل حکومت مردمی در تمامی جنبش‌ها، قیام‌ها، نهضت‌ها و حرکت‌های ضد استبدادی گذشته تاریخ ملت ایران و همچنین انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی(ره) مطرح بوده است. در انقلاب اسلامی علاوه بر رهبر کبیر انقلاب، اندیشه و رزان دیگری نیز به اشاعه این تفکر پرداخته‌اند و ملت ایران در شعارها، قطعنامه‌ها و راهپیمایی‌های خویش بر این آرمان‌ها تأکید داشته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عملکرد ۲۲ ساله نظام جمهوری اسلامی این اندیشه متبلور شده است. نکته بسیار مهم و اساسی این است که دولتمردان، دست‌اندرکاران، مجلس‌نشینان، رهبران مذهبی و... باید همواره این نکته را آویزه گوش خود قرار دهند که اگر روزی مردم را از دست بدهند و خدای ناکرده آزادیهای مشروع آنان را محدود کنند قطعاً انقلاب اسلامی را از دست داده و نظام جمهوری اسلامی را نابود خواهند ساخت؛ زیرا «مردم» همان‌گونه که «علت محدثه» انقلاب بودند، بی تردید «علت مبقیه» آن نیز هستند. خلاصه آنکه باید از مردم بود، برای مردم بود و آراء و نظرات و افکار عمومی مردم را همواره مدنظر داشت و از حقوق و آزادی‌های مشروع آنان پاسداری کرد؛ چرا که مردم رکن اصلی انقلاب و نظام هستند.

## پی‌نوشتها:

۱. برای نمونه می‌توان از اندیشه‌های مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نام برد که خود نیازمند تحقیقاتی جداگانه است.
۲. استاد محمدرضا حکیمی جمله‌ای را از دکتر علی شریعتی در مورد آیت‌الله طالقانی چنین بیان می‌کند: «در سال‌های تسلط خفقان از سال ۳۲ به بعد که همه جا در سکوت و مرگ فرو رفته بود، وقتی به تهران می‌آمدیم چشممان روشن و دلمان گرم بود به مسجد هدایت و صدای مردی که هنوز به گوش می‌رسید، مسجد هدایت امیدمان می‌داد و طالقانی تنها امید باقیمانده بود. تفسیر آفتاب، ص ۲۱۷»
۳. آیت‌الله طالقانی علاوه بر اثر مذکور دارای آثاری همچون ترجمه و تفسیر قرآن کریم که تحت عنوان پرتوی از قرآن در ۵ جلد منتشر شده است ترجمه جلد اول کتاب الامام علی نوشته عبدالفتاح، عبدالمقصود استاد دانشگاه الازهر، اسلام و مالکیت، تفسیر سوره یوسف، ترجمه و تفسیر سوره آل عمران، ترجمه و شرح نهج البلاغه جلد اول، چند مقاله (متن چند سخنرانی)، متن مصاحبه‌های تلویزیونی با قرآن در صحنه، به سوی خدا می‌رویم، جهاد شهادت، حج نیز می‌باشند.
۴. روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۲، یکشنبه ۱۸ شهریور ماه ۱۳۵۸.
۵. حجة الاسلام و المسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی در مورد شهید بهشتی می‌گوید: «در تاریخ اسلام از ائمه معصومین که بگذریم، شخصیتی مانند دکتر بهشتی خیلی کم داریم. او مجتهد، فقیه، فیلسوف، مکتب‌شناس، سیاست‌دان، سخن‌دان، سخنران، اهل قلم، نویسنده، مدیر، مدبر به چهار زبان زنده روز، عربی، فارسی، انگلیسی و آلمانی تکلم می‌کرد».
۶. شورای احیای آثار شهید بهشتی در تیر ماه ۱۳۶۱ فهرستی از آثار آن شهید مظلوم را منتشر ساخت. در این فهرست در مبحث شناخت و جهانی‌بینی الهی (توحید، نبوت، امامت، معاد، انسان، بررسی‌های استقلال ادیان دیگر و احکام) در مبحث شناخت و جهان‌بینی مادی، در مبحث کلیات شناخت و جهان‌بینی در مبحث رفتارشناسی، تعلیم و تربیت و اخلاق اسلامی) در مبحث فلسفه اسلامی و مباحث گوناگون فلسفه در مبحث تاریخ اسلام، فلسفه تاریخ، تمدن در تاریخ، بررسی تاریخ ایران و در مبحث اقتصاد حکومت و نظام سیاسی، تشکیک و تحزب، حقوق و قانون، احکام اجتماعی و فقه، بررسی‌های اجتماعی و مسائل روز و... آثاری معرفی شده است برای مطالعه بیشتر رجوع شود به جزوه.
۷. سخنرانی شهید مظلوم دکتر بهشتی در کانون اباندر. برای اطلاع بیشتر رک: او به تنهایی یک امت بود، از انتشارات بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
۸. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۴۲۶
۹. همان، ص ۴۰۰
۱۰. مواضع ما، از انتشارات حزب جمهوری اسلامی، صص ۳۵ - ۴۰
۱۱. خدمات استاد شهید مرتضی مطهری از طریق نوشته‌هایشان به جوانان جامعه اسلامی جهت آشنایی با فرهنگ غنی اسلام و مکتب حیات‌بخش و قهرمان‌پرور ائمه اطهار(ع) و ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست. او بیش از ۴۰ عنوان کتاب منتشر ساخته است. کتابهایی مانند جهان‌بینی توحیدی، وحی و نبوت، انسان و قرآن، زندگانی جاوید، آشنایی با علوم اسلامی، منطق و فلسفه، عرفان و کلام پیرامون انقلاب اسلامی، مسأله نفاق، جامعه و تاریخ، نظرگاه اسلام پیرامون موضع‌گیری طبقاتی، نظام حقوق زن، سیری در نهج البلاغه، قیام و انقلاب مهدی(عج)، شهید، مجموعه مقالات، ده گفتار، ماتریالیسم، کتاب‌سوزی ایران و مصر، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، انسان و ایمان، تصحیح و تعلیق التحصیل، خدمات متقابل اسلام و ایران، جاذبه و دافعه علی(ع)، علل گرایش به مادیگری، اصول

فلسفه و روش رئالیسم ۵ جلد، عدل الهی، امدادهای غیبی، مسأله حجاب، ختم نبوت، پیامبر امی، اخلاق جنسی، بیست گفتار و...

۱۲. استاد مطهری: پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۰۳

۱۳. همان، ص ۱۲۵

۱۴. همان، ص ۱۵۵

۱۵. همان، صص ۶۲ - ۶۴

۱۶. همان، ص ۸۲

۱۷. همان، ص ۱۰۲

۱۸. دکتر علی شریعتی با ترجمه کتاب ابونر غفاری کار تألیف را آغاز می‌کند. اما غیر از این اثر آثار دیگری همچون: تاریخ اسلام، تشیع علوی و تشیع صفوی، توحید و فلسفه اخلاق، آگزیستانسیالیسم، جهان بینی مادی و مذهبی، ترجمه کتاب قانون (دورخیاں روی زمین)، حسین وارث آدم، روش شناخت اسلام، مذهب علیه مذهب، فاطمه فاطمه است، بازگشت به خویشتن، شهادت، تشیع سرخ، انتظار، مذهب اعتراض، حج زیباترین روح همبستگی، از هجرت تا وفات، نگاهی به تاریخ فردا، تاریخ و ارزش آن در اسلام، انسان و تمدن جدید، به کجا تکیه کنیم، خودآگاهی و استعمار، انتظار عصر حاضر از زن مسلمان، پدر مادر ما متهمیم؟، فلسفه نیایش، نیازهای انسان امروز، انسان و تمدن جدید، قصه حسن و محبوبه، یاد و یاد آوردن و... قبل از انقلاب به سرعت انتشار یافت و بعد از درگذشت مشکوک وی در ۵۶/۳/۲۹ این آثار بیشترین خواننده را در میان مردم داشت.

۱۹. دکتر علی شریعتی: با مخاطب‌های آشنا، ص ۶۳

۲۰. دکتر علی شریعتی: امت و امامت، ص ۴۳

۲۱. مهدی بازرگان: مدافعات، انتشارات مدرس، ص ۲۹۴

۲۲. مهندس مهدی بازرگان: انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۱۹۷

۲۳. آیت‌الله منتظری: درایات فی ولایة القصة و فقه الدولة الاسلامیة ترجمه جلد ۲، ص ۲۰۲

۲۴. همان، جلد ۱، ص ۱۱۱

۲۵. نادری‌پور معروف به تهرانی و توانگری معروف به آرش از شکنجه‌گران معروف ساواک در دادگاه انقلاب گوشه‌ای از جنایات ساواک را تشریح کردند. آرش در بخشی از سخنانش می‌گوید: «با کمال شرمندگی قبول دارم شکنجه جزو وظایف و روش کار ما محسوب می‌شد. این شکنجه‌ها در اکثر موارد بر اثر اصابت کابل با کف پا بود در نتیجه ورم می‌کرد زندانی را از تخت یاز می‌کردیم و می‌دواندیم و دوباره روی همان پای باد کرده کابل زده می‌شد که منجر به شکافته شدن پای این مبارزان شده و به پانسمان می‌کشید به طوری که مجبور بودند با باسن راه بروند و حتی بعضی از مواقع پس از پانسمان هم آنها را کتک می‌زدیم. بودند کسانی که ماه‌ها تحت شکنجه بودند و حاضر نبودند حتی اسم خود را بگویند... (اینها) زیر شکنجه شهید شدند. ساواک برای این‌ها یک پرونده درست می‌کرد که در اثر خودکشی یا در اثر بیماری مرده، پزشک قانونی هم تأیید می‌کرد و به خاک می‌سپردند. رک: به روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۲۰ مورخ ۲ تیرماه ۱۳۵۸.

تهرانی پس از محکومیت به اعدام به زنش گفت: «من آدم کشتم و باید کشته شوم. اگر من کشته نشوم مملکت درست نمی‌شود - کارهایی که من کرده‌ام ثمر نکرده است. من باید اعدام شوم تا راحت شوم در غیر این صورت نمی‌توانم در صورت مردم نگاه کنم. من برای تو بد نبودم، ولی جلاد بودم می‌دانی یعنی چه؟ بچه‌هایی که پایشان باد کرده می‌دانند.»

رک: همان، ۲۱ مورخ ۳ تیرماه ۱۳۵۸

۲۶. روزنامه هردت‌تربیبون مصاحبه‌ای با ریچارد ساوین انگلیسی که زندان وکیل آباد سی ماه را گذرانده چاپ کرد که ساوین در آن مصاحبه می‌گوید: «منظره کتک زدن‌ها و بدن‌های شکنجه شده به اندازه‌ای عادی شده بود که دیگر جلب توجه نمی‌کرد. گاهی زندانی سیاسی را سه ماه در زندان مجرد که یک مترمربع مساحت داشت نگه می‌داشتند... از جمله شکنجه وارد کردن شوک الکتریکی به شقیقه‌ها و آلات تناسلی و گذاشتن سوزن‌های داغ قرمز شده به زیر ناخن انگشتان بود. یکی از شکنجه‌ها به تانگوی تخم‌مرغ داغ معروف بود که شامل قراردادن یک تخم‌مرغ در معده زندانی بود که از داخل می‌پخت. استعمال باتون از پشت از دیگر شکنجه‌ها بود.»

ر.ک: روزنامه آیندگان ۲۴ دی ماه ۱۳۵۷

۲۷. بهمن تهرانی قتل ۹ نفر از محکومین سیاسی را به جرم ترور سرتیپ زندگی‌پور، به تفصیل در دادگاه انقلاب تشریح کرد. ر.ک: روزنامه اطلاعات ۵ شهریور ۱۳۵۸

۲۸. یکی از شکنجه‌های روانی این بود که زن یا دختر یا خواهر شخص مورد نظر را دستگیر کرده و به زندان می‌بردند و زندانی را تهدید می‌کردند که اگر اسرار خود را فاش نکند در حضور او به زن یا خواهر یا دختر او تجاوز خواهند کرد!

۲۹. وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، آقای ابراهیم یزدی در سی و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل گزارش کاملی از اوضاع خفت‌بار دوران رژیم ستم‌شاهی را مطرح کرده است. در ربع قرن اخیر ۶۵۰۰۰ نفر توسط شاه کشته شدند و چندین هزار نفر در شکنجه‌گاه‌ها اعدام گردید و...

ر.ک: روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۱۰۸ مورخ ۱۸ مهر ۱۳۵۸.

۳۰. البته بعد از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان چند دوره انتخابات بالنسبه آزاد تری برگزار گردید که این روند نیز با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ برای همیشه فراموش شد.

۳۱. در سال ۱۳۱۷ مسأله نامزدی محمدرضا ولیعهد آن زمان با فوزیه دختر فاروق بزرگ‌ترین موضوع مملکت شده هیأت‌ها با تشریفات و هزینه‌های بسیار بین ایران و مصر رفت و آمد کردند و برای نامزدی و عروسی تعطیل عمومی اعلام شد و جشن‌ها گرفتند و چراغانی‌ها نمودند، اما موضوع یک اشکال قانونی پیدا کرد. بر طبق قانون اساسی ولیعهد باید از مادر ایرانی‌الاصل به دنیا آید و طبقاً ولیعهد بعد از محمدرضا با وجود مادری مصری شرط ولایت‌عهدی را نخواهد داشت. به همین خاطر مجلس شورای ملی به اتفاق آراء ماده واحده زیر را به تصویب رساند.

«مجلس شورای ملی نظر به تفسیر اصل ۲۷ متمم قانون اساسی به اقتضاء مصالح عالی کشور بنابر پیشنهاد دولت تصویب می‌نماید که به والا حضرت فوزیه دختر اعلیحضرت ملک فاروق پادشاه مصر به موجب فرمان همایونی صفت ایران اعطاء شود.

ر.ک: جلال‌الدین مدنی: تاریخ سیاسی معاصر ایران جلد اول، صفحه ۱۲۲.

۳۲. همان، جلد دوم، صص ۳۰۱ - ۳۰۲.

۳۳. همان، صص ۳۲۵.

۳۴. ر.ک: فصل سوم کتاب دموکراسی در نظام ولایت فقیه همین قلم.

۳۵. ادراه امور کشور با اتکاء به آرای عمومی آن قدر حایز اهمیت است که براساس اصل یکصد و هفتاد و هفتم، یکی از مواردی که هیچ‌گاه تغییر نخواهد کرد و شورای یانگری قانون اساسی حق تغییر آن را نخواهد داشت، همین مورد است.

۳۶. حضرت امام خمینی(ره) در مورد پهلوی اول نیز به شدت موضع مخالف داشتند و در حقیقت باید گفت: مبارزه را با حکومت رضاخانی شروع کردند و کتاب کشف‌الاسرار ایشان نمونه گویایی در این زمینه است، اما در عین حال آنچه که مربوط به نهضت اسلامی منجر به انقلاب اسلامی می‌شود، عملاً از سال

- ۱۳۳۱ به بعد می‌باشد والا در تاریخی‌ترین سند مبارزاتی حضرت امام خمینی یعنی در ۴۸ سال قبل ایشان با مطرح کردن اینکه قیام باید برای خدا باشد نه برای شخص می‌فرمایند: قیام برای شخص است که یک نفر مان‌ندراتی بی‌سواد یک گروه چند میلیونی چیره می‌کند. رک: صحیفه نور، جلد اول، ص ۳.
۳۷. سخنرانی حضرت امام در دوم ذیحجه ۱۳۸۳ کتاب خمینی و جنبش، صص ۲۱ و ۲۲.
۳۸. مصاحبه امام خمینی (ره) با تلویزیون فرانسه کانال یک در ۱۳۵۷/۸/۵، صحیفه نور، جلد ۲.
۳۹. همان، جلد ۴ ص ۲۸۵.
۴۰. همان، جلد ۴ ص ۲۸۲ و ۲۸۳.
۴۱. همان، جلد ۲ ص ۲۸۵.
۴۲. مصاحبه حضرت امام خمینی (ره) با رادیو تلویزیون هلند ۵۷/۸/۱۴ همان، جلد ۲ ص ۱۳.
۴۳. حضرت امام خمینی (ره) در مصاحبه با رادیو تلویزیون اطریش ۵۷/۸/۱۰، همان، جلد ۳، ص ۲.
۴۴. حضرت امام خمینی (ره) در مصاحبه با خبرنگاران کشورهای مختلف ۵۷/۸/۱۸، همان، جلد ۲، ص ۸۸.
۴۵. همان، جلد ۴، ص ۲۸۵.
۴۶. همان، جلد ۵، ص ۲۳۸.
۴۷. همان، جلد ۴، ص ۲۳۴.
۴۸. همان، جلد ۵، ص ۲۵۸.
۴۹. همان، جلد ۳، ص ۱۶.
۵۰. همان، جلد ۲، ص ۲۲۲.
۵۱. سخنان امام خمینی در مورخ ۶۲/۱۱/۲۲.
۵۲. صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۱۸۱.
۵۳. همان، جلد ۹، ص ۸۸.
۵۴. همان، جلد ۴، ص ۲۸۵.
۵۵. همان، جلد ۸، ص ۲۷.
۵۶. برای مطالعه بیشتر رک به جلد ۲ مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی و احیاء تفکر دینی از انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی خرداد ۱۳۷۷.
۵۷. رک: کواکیبان، مصطفی: مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تهران، ۱۳۷۸ ص ۲۵۸.
۵۸. حضرت امام خمینی: مقدمه وصیت‌نامه سیاسی الهی
۵۹. البته نباید فراموش کرد که رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی به خاطر حفظ جناح و تواضع و شکسته نفسی خویش از رکن مهم رهبری در انقلاب اسلامی سخن نگفته‌اند.
۶۰. وصیت‌نامه سیاسی الهی بند «الف».
۶۱. همان، بند «ج».
۶۲. همان.
۶۳. وصیت‌نامه سیاسی - الهی حضرت امام (ره)، بند «ز».



## فهرست منابع و مأخذ:

۱. مطهرى، مرتضى: پيرامون انقلاب اسلامى، صدرآ، تهران، ۱۳۶۷.
۲. مطهرى، مرتضى: پيرامون جمهورى انقلاب اسلامى، صدرآ، تهران، ۱۳۶۶.
۳. مطهرى، مرتضى: نهضت‌هاى اسلامى صد ساله اخير، صدرآ، تهران، چاپ يازدهم، ۱۳۶۷.
۴. آيت‌الله نائينى: تنبيه‌الامة و تنزيه‌الملة، بغداد ۱۳۲۷/۹، ۱۹۰.
۵. حائرى، عبدالهادى: تشيع و مشروطيت در ايران و نقش ايرانيان مقيم عراق، چاپ اول، تهران، اميركبير، ۱۳۶۴.
۶. آدميت، فريدون: فكر دموكراسى اجتماعى در نهضت مشروطيت ايران، تهران پيام ۱۲۵۵.
۷. مدنى، جلال‌الدين: تاريخ سياسى معاصر ايران (جلد ۱ و ۲)، دفتر انتشارات اسلامى تهران ۱۳۶۱.
۸. رضوى، اسماعيل: انقلاب مشروطيت ايران، شركت سهامى كتاب‌هاى جيبى، تهران، چاپ دوم ۱۳۶۲.
۹. كسروى تيريزى، احمد: تاريخ مشروطه ايران، تهران ۱۳۳۰.
۱۰. طالب‌اف، عبدالرحيم: كتاب احمد، تهران ۱۳۴۶.
۱۱. صاحبى، محمدجواد: نهضت‌هاى اسلامى، مؤسسه كيهان، ۱۳۶۷.
۱۲. حكيمى، محمدرضا: تفسير آفتاب، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، تهران، ۱۳۵۹.
۱۳. محمدى، حسن: از بهار تا شهريار، تهران ۱۳۷۲.
۱۴. جمعى از نويسندگان: مدرس ۲ - بنياد تاريخ انقلاب اسلامى ايران، تهران ۱۳۶۶.
۱۵. مدرسى، على: مدرس ۱ بنياد تاريخ انقلاب اسلامى ايران، تهران ۱۳۶۶.
۱۶. كواكبى، عبدالرحمن: طبائع الاستبداد و مصارع الاستبداد.
۱۷. خالقى، اسماعيل: ادبيات معاصر ايران.
۱۸. دكتور على شريعتى: با مخاطب‌هاى آشنا.
۱۹. دكتور على شريعتى: امت و امامت.
۲۰. مهندس بازركان، مهدى: انقلاب در دو حركت، چاپ مظاهرى، چاپ چهارم تهران ۱۳۶۳.
۲۱. مهندس بازركان، مهدى: مدافعات و انتشارات مدرس، ۱۳۵۰.
۲۲. آيت‌الله منتظرى: دراسات فى ولاية‌الفقيه و فقه الدولة الاسلاميه.
۲۳. حضرت امام خمينى (ره): ولايت فقيه.
۲۴. حضرت امام خمينى (ره): صحيفه نور، جلد ۵ - ۱ چاپ وزارت ارشاد اسلامى.
۲۵. روزنامه جمهورى اسلامى.
۲۶. روزنامه سلام.
۲۷. روزنامه كيهان.
۲۸. «مواضع ما» از انتشارات جمهورى اسلامى.
۲۹. دفتر نشر فرهنگ اسلامى، فهرست موضوعى بخشى از آثار شهيد مظلوم دكتور بهشتى، تهران ۱۳۶۱.
۳۰. واحد فرهنگى بنياد شهيد، او به تنهاى يك ملت بود، تهران ۱۳۶۱.
۳۱. صورت مشروح مذاكرات مجلس بررسى نهاى قانون اساسى ج ۱۰۱۰، اداره كل فرهنگى و روابط عمومى مجلس شورآى اسلامى، تهران ۱۳۶۴.
۳۲. مخبرالسلطنه: خاطرات و خطرات.
۳۳. نظام‌الاسلام كرمانى، محمد: تاريخ بيدارى ايرانيان، تهران ۱۳۴۲.
۳۴. قيام آذربايجان و ستارخان.

۱۴۴. ۲۵. فخرایی، ابراهیم: سردار جنگل.

۳۶. آثار الحجّة.

۲۷. هیکل، حسنین: ایران و کوه آتشفشان، ترجمه سیدمحمد اصفانی.

۲۸. مصدق و نهضت ملی نفت ایران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی